



قیمت اشتراک

سالیانه

در ایران ۳ تومان

در آلمان ۶۰ مارک

در سایر ممالک یک ایرو انگلیسی

قیمت هر شماره برای تک فروشی

در ایران ۳ قران است

کاف

۱۳۲۹

این روزنامه هر ماه یک بار
در ۱۶ صفحه نشر میشود

عنوان مراسلات

Redaktion Kaveh:
Berlin-Charlottenburg,
Leibnizstr. 64

۶ مرداد ماه قدیم ۱۲۹۰ زردگردي = غرة ربيع الثاني سنة ۱۳۳۹ = ۱۳ دسامبر فرنگي ۱۹۲۰ میلادی • Nr. 12 • Jahrg. 5 • Neue Folge

کسانیکه در ایران طالب اشتراک روزنامه کاهه در سال آینده آن (که از غرة جمادی الاولی ۱۳۳۹ شروع میشود) هستند و یا مشترکینی که مایل بحدومت در اشتراکند باید قبلاً وجه اشتراک را بوکلاي کاهه پرداخته و قبض گرفته بدارند بفرستند بطوری که تا موعده انتشار شماره اول سال دوم (دوره جدید) وجه بجا برسد وگرنه روزنامه قطع میشود.

فلج شقی

بستی حالت اجتماعی زنان

در اهمیت زن و مقام اجتماعی او در یک ملتی خیلی گفته و نوشته شده و بعید نیست اگر تعصبات جاهلانه مانع نبود اغلب مردم از طبقه تمدن دوست ایران معتقد میشدند که بدون تربیت زنان و آزادی آنها و دادن حقوق انسانی بانها محال است یک مملکت مسلمان بیای ملل فرنگ برسد و حتی پس از صدها سال نمیتواند همدوش ملل مسیحی شرق از ارمی و گرجی هم بشود. لکن تعصبات جاهلیت صدها طلسم آهنین در مقابل آزادی زنهای ایرانی کشیده و میترسم که زور تربیت شده گان ایران و ابنای دوره جدید بشکستن این سد که علاقه مندان در جهالت عامه شالوده آزا بناحق روی اساس دینی گذاشته اند نرسد و بلکه خود طبقه روشن بین زیرچرخ تعصب خرد و له بشوند خصوصاً که عزم و همت تربیت شده گان ملتی که ورزش بدنی در آن غیر رایج و وافور و آکل شایع است با اشکالات سخت و موامف آهنین چگونه مقاومت تواند کرد. در نتیجه این تعصبات

حالت زن ایرانی بحدتی پست است که از کنیز زر خرید و دواب بارکش اندکی بهتر است و اوضاع تربیت و طفولیت و دختری و زنی و مادری و زنا شونی و طلاق و غیره در بدترین درجه امکان است. از زنهای پایتخت و شهرهای بزرگ بگذرید و نظری زنهای قمشه و جهرم و سراب و گرمرو و قوچان و قراجه داغ بیندازید و آنوقت بخاطر بیاورید که مندی ایرانیان سیاسی را از ویلسون (رئیس جمهوری سابق آمریکا) که چرا وقتیکه با زنتش بیاریس آمد در مجلس صلح برای ایران و استقلال کامل آن خود کشی نکرد و ایران را همدوش ممالک اروپا ننمود. ایران اگر تمام وسایل ترقی برایش مهیا باشد و فقط حالت زنان اصلاح اساسی نیافته باشد در میدان مبارزه و مسابقه با ملل زنده دنیا عاجز خواهد بود و کارش با دیگران در این میدان مانند سیاقی دو نفر مردی خواهد بود که یکی سالم و قوی و دیگری مبتلا بفلج شقی باشد (یعنی نصف راست یا چپ بدنش فلج و بیحس و حرکت باشد).

در این اواخر پس از آنکه مردان بیدار ملت های مسلمان مدتها و هزاران بیان در این مسئله گفتند و نوشتند و مخصوصاً نویسندگان مصر (که قشون فرنگی اختیار حرف زدن را در آنجا از دست شیخ الاسلام و

معنی سوره یوسف درس خوانده و سردها هم دیگر بیش از دو نفر منکوحه و یک تنه زن نمیگیرند و اگر باین قرار پیش برویم عنقریب بملل فرنگ میرسیم غافل از اینکه در همین بیست سال که ما برای جایز یا حرام بودن الف با خواندن زن بسر و کلاه همدیگر میزدیم اروپا و آمریکا قدمهای بزرگی باز در این موضوع برداشته و حق رأی در سیاست مملکت زن‌ها دادند و در مجلس ملی بعضی از ممالک زن و مرد پهلوی همدیگر بنشینند. اگر بدین سباق ما پیش برویم پس از دوست سال هم بگرد یهودیهای چاله میدان بمیرسیم زیرا که آنها نیز میروند و تندتر هم میروند.

در ذیل قصیده‌ای راجع بهمین موضوع یعنی حقوق زنان و جور و ستم بآنها در ایران نشر میکنیم که بسیار لایق تحسین و آفرین است. این قصیده از آقای میرزا ابراهیم خان رشتی معروف بیور داود است که اشعار ایشان بطور متفرقه اغلب بنظرها رسیده و دیوان کامل ایشان ابد است عنقریب منتشر گردد. این قصیده شاعر معاصر علاوه بر مزینت ادبی و اسلوب مطبوع آن دارای یک روح تازه و حکمت عالی و اثر تمدن است و آن عبارت است از دفاع صریح از حقوق انسانی زن‌ها. شعری ما به سه جهت بیش از دیگران باید برای آزادی و تربیت و اختیارات زن بکوشند. نخست آنکه شعر غالباً یک انعکاس از احساسات لطیفه عشق و ستایش حسن طبیعت است و زن بهترین نمونه حسن و محبت در یکجا میباشد و تکلیف شعری ما که کلید ترویج و پرورش انواع عشق و محبت در دست آنهاست میباشد که این حسن لطیف و طبعی و عالی را از راههای منفور برگردانیده و کثافتاتی را که اسلاف آنان بآن جوهر پاک مخلوط کرده‌اند و مانند گل و خاک خوردن اطفال غیر مجازات از آن نور الهی زایل کنند و در قلوب مردان مملکت یک احساس پاکتری بدمند. دوم آنکه تلاقی گناه و ظلم گذشتگان از شعری بزرگ ایران در باره زن فریضه همت اخلاف این طبقه است. پیشینیان شعرا قدرت طبع خود را در پست کردن قدر زن و طعن و نکوهش بآن جنس صرف کرده و سرمایه عظیمی از ضلالت عامه انباشته و اخلاق ملت را براه بد و ضد تمدن کشیده‌اند و در این فقره شکی نیست که یک قسمت مهمی از اخلاق ملی ما بواسطه شعرا ایجاد شده و شعر در ایام گذشته فقط چیزی بود که در جمیع طبقات ملت از خاص و عام و دهقان و شهری و چادر نشین خوانده میشد و انتشار آن محتاج بسواد عمومی نبود. سوم آنکه امروز نیز شعر در میان عامه ملت انتشار و سیع دارد و در حافظه‌ها ضبط شده و در افواه سیر میکند و بدین جهت دائرة انتشار و تأثیرش از مقالات مطبوعه و جراید بزرگتر است و از همین لحاظ است که با آنکه سلیقه ما بدرج اشعار نیست قصیده شاعر تمدن دوست و سخور خود را که همواره بخوزه هوطنان این شهر روح و صفا و رونق میبخشد و احساسات طبقه جوان و آزادی دوست ملت را برانهای خود منعکس میسازد بهر مقاله‌ای در این باب ترجیح داده و آنرا زینت صحایف روزنامه میکنیم و آنچه هم نوشتیم فقط مقدمه‌ای بود برای جلب توجه خوانندگان بذی مقدمه که قصیده ذیل است.

در باب شخص آقای پور داود و آثار ادبی او لازم نمیدانیم شرح زیادی بدهیم زیرا بهترین معرف او اشعار و خیالات اوست.

یعنی گرفته و آزادی کلام آورده بود) مانند قاسم امین و خیلی دیگر بدلائل عقلی و شرعی لزوم آزادی زنان را اثبات کردند طبیعت معتاد کهنه پرست بعضی تربیت شدگان ممالک مسلمان متوسل پیدا کردن دلایل تازه برای مقصود کهنه خود شده و چیزهای عجیبی از فرق مزاجی و جسمانی زن برای لزوم پست داشتن زن پیدا کردند. این «دلایل» که فقط عادت و میل بعقیده قدیمی و سختی جدا شدن از آن آنها را از زوایای علم طب و تشریح بیرون کشیده بهیچ وجه مناسبتی بامدعا ندارد. مثلاً اینکه دانه‌های سرخ ذره بینی خون زن کمتر از مرد است، دماغ زن نسبتاً از مرد است، قوت او کمتر است، در استخوان بندی استخوانهای پهلوی و فقرات و خاصره در زن و مرد فرقه‌های جزئی موجود است، اعصاب زن زود تر متاثر میشود، عادت ماهانه، حمل و شیر دادن و حتی مو در نیابردن صورت دلیل فرق دو جنس و در نتیجه عملی دلیل دو زن گرفتن یا طلاق دادن، اسیر کردن و زدن زن فرض میشود!! اگر از روی این منطق یکی از علمای اروپا بمحققانیت تسلط ملل فرنگ بر ملل شرق بدلائل سیاهی مو و چشم ایرانیها و کوتاهی قامت زا بونیه‌ها، زود بالغ شدن عرب‌ها، سبکی جزئی دماغ چینیها (۱)، لاغری و تیرگی رنگ هندوها استدلال کند آیا ما حاضر بقبول آن هستیم؟ این دلایل «نیش غولی» بقول طلاب فقط ناشی از یک قانون طبیعت است و آن این است که انسان آنچه را که در طفولیت از روی یک دلیل واهی بطور راسخ معتقد و معتاد شده پس از تعلیم و تربیت نیز چون دلیل قدیمی در نظرش باطل نمیشود با طبیعه و بدون قصد مایل است بر اینکه دلیل تازه و معقولتری موافق عصر و زمان از همان سرمایه تربیت خود برای عقیده مأنوس و محبوب قدیمی خود بترشد و دلش میخواهد آن عقیده را همیشه زنده کند. مثلاً در اروپا برای یهودیها هزاران عیب میجویند و دلایلی از نژاد و خواص فطری بیدی آنها میآورند در صورتیکه اصلش همان کشتن عیسی با اعتقاد مسیحیان است که در قرون وسطی نیز همین تعصب مذهبی شدت گرفته است، ایرانیهای مسلمان مادامیکه مؤمن و مقتصدند باینها راحض اینکه دین تازه آورده و بنابه «شهادت» تیر انداخته‌اند واجب القتل میدانند و وقتی که سیاسی شدند آنها را متعایل بروس و یا انگلیس شمرده باز خونشان را مباح می‌شمرند. شیعیان ایرانی ابتدا بغاصین خلافت طعن و لعن میکردند و پس از سیاسی شدن باز با همان اشخاص محض برهم زدن استقلال قدیم ایران مدعی میشوند، عثمانیها در قرون گذشته ایرانیان را رافضی گفته و قتل عام آنها را لازم میدانستند و پس از «تربیت» زون ترک‌ها در پاریس اغلی از آنها نژاد ایرانی را دشمن داستانی توران و مانع عظمت و جهانگیری ترکها و یا محل اتحاد اسلام یعنی عجیب زون ترک آن کلمه شمرده قطع نسل آنها را ترویج و تبلیغ میکنند که از کاشغر و مانجوری تا سرحد اتریش اردوی سرخ چنگیز باسانی خیمه بزند و آسیا خوشبخت گردد!! بعضی ایرانیان در مقام امیدواری و رد اقوال بدبینان گویند که حالادیکر اوضاع برتریب قدیم نیست و در بیست سال آخری در طهران در محله حسن آباد و محله دولت ترقیات شایان بعمل آمده و زن‌ها تا اندازه فهمیدن

(۱) بموجب یک جدول احصائی که از اوزان عده مختلفی از دماغهای نژادهای ملل مختلف اروپائی و چینی و کاکاسیها ترتیب داده‌اند معلوم شده تفاوت در وزن متوسط آنها موجود است و مال چینیها اندکی سبکتر از ملل اروپائی است [کتاب تشریح فرانسی تالیف Delhier].